

سکه صاحب‌عیار

معرفی نقد صیرفیان: فراز و فرود خاقانی‌شناسی معاصر اثر محمدرضا

ترکی (۱۳۹۴)

مهدی فیروزیان (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)

با گذشت چند دهه از روزی که بدیع‌الزمان فروزانفر در شناساندن خاقانی کوشید این پندار را که «بیش از پانصد بیت از ابیات استاد دارای معنی محصل نیست» نادرست نشان دهد (← فروزانفر، ص ۶۱۶)، بازار خاقانی‌پژوهی گرمی دیگر یافته است. محمدرضا ترکی، با پشتوانه سال‌ها تدریس در این باب و پژوهش‌هایی درازدامن، در نقد صیرفیان، هفت اثر از پنج پژوهشگر را، در هفت مقاله، با نظر انتقادی بررسی کرده است.

فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی، ضیاءالدین سجادی (ص ۲۱-۱۶۵)

نخستین گام بلند در راه شناخت خاقانی روزگار ما را زنده‌یاد ضیاءالدین سجادی، پدیدآورنده نخستین تصحیح انتقادی معتبر دیوان آن شاعر، برداشت. حاصل هشت سال تلاش علمی او رساله دکتری او با عنوان «تصحیح و شرح دیوان خاقانی شروانی» به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر بود که در سال ۱۳۳۴ به تصویب داوران دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رسید (← سجادی، صفحه سه). از آن روز تا کنون، پژوهشگران، در مقاله‌های خود،

هماره به دستاورد این مصحح استناد کرده‌اند.

اما اثر دیگر سجّادی، فرهنگ لغات و تعبيرات دیوان خاقانی است که، به گزارش خود او، بیست و پنج سال از عمرش صرف نگارش آن شده است. ترکی ضمن قدردانی از سختکوشی سجّادی و صحّه نهادن بر ارزش نتیجه زحمات او، بیش از سیصد مدخل آن را آماج نقد ساخته و نقایص و لغزش‌هایی را که در آنها دیده نشان داده است. همه مفردات لغوی این فرهنگ کمابیش در لغت‌نامه دهخدا آمده است. مؤلف، در ذکر استعارات و تشبیهات و کنایات و تلمیحات و اشارات، روش معینی اختیار نکرده و از مدخل‌هایی لازم غافل مانده است. بسیاری از استعارات تنها لغوی معنی شده‌اند که طبعاً گره‌گشا نیست. شماری از آنها درست معنی نشده‌اند که ترکی، در نقد آنها، با پژوهش گسترده خود و آوردن شواهدی از متون نظم و نثر، معنای درست آنها را به دست داده است.

ارمغان صبح نصرالله امامی (ص ۱۶۹-۲۰۲)

منتقد، در این نقد، خود را از بررسی شرح ابیات در این کتاب، به عذر اندک بودن مشکلات آن، معاف داشته و عمدتاً به نقد ملاحظات تاریخی مندرج در آن درباب زندگی و شخصیت خاقانی پرداخته و نادرستی برخی از مشهورات را آشکار ساخته است. وی، فی‌المثل، نشان داده است که شاعر، از آغاز، «خاقانی» تخلص می‌کرده و «حقایقی»، نه نخستین تخلص وی در جوانی، که لقبی ملازم تخلص بوده است یا این قول که خاقانی شاگرد ابوالعلاء گنجوی یا داماد او بوده سندی ندارد و، اگر تیزبینانه در منشآت خاقانی بنگریم، معلوم می‌گردد آنچه خاقانی درباره همسر خود گفته نمودار آن است که وی نمی‌تواند دختر ابوالعلاء باشد. ترکی همچنین، درباره زندگی و شخصیت خاقانی، نکته‌هایی گوشزد ساخته که از جمله آنهاست: تاریخ پیوستن خاقانی به دربار شروان‌شاه؛ سفر او به ری و تبریز؛ زندانی شدن او به روزگار اخستان؛ تاریخ درگذشت رشیدالدین فرزند خاقانی؛ و تاریخ سرودن قصیده‌هایی همچون «ایوان مداین، صفهان، نان، و ترسائی»؛ معلومات مسیحی او؛ خودشیفتگی شاعر؛ و زندگی و وفات او در تبریز.

سراچۀ آوا و رنگ، میرجلال‌الدین کزازی (ص ۲۰۵-۲۳۲)

ترکی، بر این اثر که گزیده اشعار خاقانی و شرح آنهاست نقدی از دو نوع دارد: یکی نقد کلیات است که بیش و کم بر همه نوشته‌ها و تقریرات کزازی در شرح آثار منظوم وارد است. از آن جمله است: اصرار در سره‌نویسی و سره‌گویی که مخاطب برای اخذ مطالب به نوعی تلاش ترجمه‌ای نیاز دارد؛ از طریق همین سره‌گرایی تبدیل اصطلاحات مسبوق به سابقه ممتد چند قرنی به «معدل»‌های برساخته که طبعاً بازشناسی آنها برای آشنایان و اهل اصطلاح مستلزم تلاش ذهنی زاید است. دومین بخش نقد در جزئیات و شرح ابیات است و در آن به شرح نزدیک به پنجاه بیت پرداخته شده است.

گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، میرجلال‌الدین کزازی (ص ۲۳۵-۲۶۹)

این کتاب در سال ۱۳۷۸ منتشر شده و متعاقباً تجدید چاپ شده است. نقدهایی بر آن پیش و پس از نقد ترکی چاپ و منتشر شده است. از جمله آنهاست: «نقدی بر گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی» نوشته علی‌اکبر باقری خلیلی، در پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، سال دوم، شماره ۶ و ۷ (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، ص ۱۳-۳۶؛ «کاستی عمده گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی» از سعید مهدوی‌فر، گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه شماره ۳ (زمستان ۱۳۹۱)، ص ۱۳۱-۱۵۰، که در آن، تنها گزارش هفت قصیده آغازین مندرج در اثر بررسی شده است؛ و «نگاهی دیگر به گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی» از مریم رشیدی، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۶۵ (تیر ۱۳۹۰)، ص ۸۲-۹۳.

نقد ترکی، علاوه بر احتوای آن بر ملاحظات کلی، گویای آن است که برخی بیت‌های «دشوار به ظاهر ساده» شرح نشده‌اند و، در عوض، ابیاتی ساده یا نه‌چندان پیچیده و بی‌نیاز از تفسیر شرح شده‌اند. منتقد، در باب نقایص اثر، گوشزد ساخته که بستر تاریخی و شأن نزول اشعار نشان داده نشده، از رابطه و پیوند ابیات سخنی به میان نیامده، گره برخی از ابیات ناگشوده مانده، ترجمه و شرح ابیات عربی به دست داده نشده، از شروح کهن دیوان استفاده نشده و فهرست آنها ناقص مانده است. ناگفته نماند که نویسنده، در ویرایش دوم این اثر، با سعه صدر، از ترکی به مناسبت نوشتن این نقد سپاسگزاری کرده و افزوده است که «پاره‌ای از آنها را در این چاپ از کتاب ورزیده‌ام و به کار گرفته». (کزازی، صفحه هشت)

ملاحظات موردی منتقد حاوی شرح معتبر و با کفایت نزدیک به پنجاه بیت در تکمیل و تصحیح گزارش‌های مؤلف است.

نقد و شرح قصاید خاقانی، محمد استعلامی (ص ۳۱۱-۴۶۶)

بیت‌های شرح شده در این کتاب را در دو دسته می‌توان جای داد: یکی ابیات بسیاری که برای فهم آنها به هیچ شرحی نیاز نیست. دیگر ابیات دشوار از دو نوع: یکی ابیات پرشماری که خاقانی‌شناسان آنها را شرح کرده‌اند و شرح مجدد آنها چه بسا بی‌محل باشد؛ دیگر بیت‌های دشواری که شرح آنها برگرفته از تقریرات بدیع‌الزمان فروزانفر است یا مؤلف خود آنها را شرح کرده و دچار لغزش‌های بزرگ و کوچک پرشمار شده است. نقد ترکی بیشتر متوجه همین نوع اخیر است. این نقد که، پس از چاپ در سه شماره کتاب ماه ادبیات، در یازدهمین دوره جشنواره نقد کتاب (۱۳۹۳) به شایستگی برترین نقد کتاب سال شناخته شد، در صد و پنجاه و پنج صفحه به چاپ رسیده است. ناگفته نماند نقد حاضر تنها متوجه نزدیک به یک چهارم تألیف استعلامی است که، در آن، نویسنده تنها از لغزش‌ها و شرح و تفسیرهای نادرست سخن گفته و کاستی‌ها را وانهاده است.

به گفته ترکی، گذشته از خطاهای بسیار در شرح اشعار، روش مؤلف اشکال‌های اصولی دارد از جمله اظهار نظرها و قول‌های بی‌سند و مأخذ؛ جدا نکردن تقریرات فروزانفر؛ خرده‌گیری‌های بیجا بر شاعر در جایی که از گشودن گره سخن در مانده و چه بسا خواسته است ضعف خود در فهم اشعار را با آن خرده‌گیری‌های ناشیانه بپوشاند.

بر بساط قلندر، معصومه معدن‌کن (ص ۲۷۳-۲۸۷)

این کتاب حاوی صد و پنجاه و یک غزل خاقانی همراه با شرح آنهاست که ترکی اصلاح و تکمیل شرح نوزده بیت از آنها را به دست داده است.

جام عروس خاوری، معصومه معدن‌کن (ص ۲۹۱-۳۰۷)

این کتاب حاوی شرح شش قصیده است که ترکی اصلاح و تکمیل شرح سی بیت از آنها را به دست داده است.

در مجموع، ترکی این دو اثر معدن‌کن را، در قیاس با دیگر آثار نظیر آنها، کم‌اشکال‌تر باز شناخته است.

ترکی، در «مؤخره»، به جمع‌بندی نکات و آسیب‌شناسی کلی خاقانی‌شناسی پرداخته و یازده نکته سودمند را یادآور شده است. وی ریشه بسیاری از لغزش‌های خاقانی‌پژوهان را ناشی شناخته است از تکیه محض بر ذوق؛ بدخوانی متن؛ ناآشنایی با کلمات و تعبیرات و اصطلاحات مهجور؛ برداشت نادرست از زیباشناسی شعر کهن؛ مقتضیات قالب شعری؛ نادیده گرفتن زمینه تاریخی و شأن نزول اشعار؛ و اعتماد به مشهورات نادرست.

ترکی مشکل اساسی را فقدان تصحیح موثق و باکفایت از دیوان خاقانی باز شناخته که شایسته است خاقانی‌پژوهان چشم‌به‌راه آن باشند.

منابع

- استعلامی، محمد، نقد و شرح قصاید خاقانی، زوار، تهران ۱۳۸۷.
- امامی، نصرالله، ارمغان صبح، جامی، تهران ۱۳۷۵.
- ترکی (۱)، محمدرضا، «در حاشیۀ نقد و شرح قصاید خاقانی و پاسخ به استعلامات و ابهامات استناد استعلامی»، کتاب ماه ادبیات، بخش نخست: شماره ۷۹، پیاپی ۱۹۳ (آبان ۱۳۹۲)، ص ۱۸-۳۷؛ بخش دوم: شماره ۸۰، پیاپی ۱۹۴ (آذر ۱۳۹۲)، ص ۴۰-۵۶؛ بخش سوم: شماره ۸۱، پیاپی ۱۹۵ (دی ۱۳۹۲)، ص ۳۸-۶۰.
- (۲)، نقد صیرفیان: فراز و فرود خاقانی‌شناسی معاصر، سخن، تهران ۱۳۹۴.
- سجادی، ضیاء‌الدین، فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی، زوار، تهران ۱۳۷۴.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، خوارزمی، تهران ۱۳۵۰.
- کزازی (۱)، میرجلال‌الدین، سراجۀ آوا و رنگ، سمت، تهران ۱۳۷۶.
- (۲)، گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، مرکز، تهران ۱۳۸۵.
- معدن‌کن (۱)، معصومه، بر بساط قلندر، آیدین، تبریز ۱۳۸۴.
- (۲)، جام عروس خاوری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۷.

